



بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری والدین و استقلال عاطفی با خودکارآمدی و در بین دانش آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان شوش

حجت اله ادیب فر

کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، Adibfar.84@gmail.com

کند. استقلال ممکن است در اشکال مختلف باشد. می‌تواند در زمینه‌ی تصمیم‌گیری، ابراز احساسات و هیجانات یا در حوزه‌های مربوط به رفتارها، شغل، تحصیل، اخلاق و... باشد. اتفاقی که در دوران نوجوانی می‌افتد، گذر از دوران کودکی است، که در آن وابستگی، بسیار زیاد است به این معنی که کودک در حوزه‌های مختلف به والد وابستگی دارد. اوج این دوره، دوره‌ی نوزادی و شیرخوارگی کودک است که هرچه فرد بزرگ‌تر می‌شود و رشد بیش‌تری می‌یابد، استقلال را بیش‌تر تجربه می‌کند. ما انتظار داریم که این سیر مستقل شدن، فرایندی پیوسته باشد و نه یک فرایند مقطعی. این فرایند از همان اوایل کودکی شروع می‌شود و در جوانی کامل می‌شود. در این هنگام فرد آمادگی پیدا می‌کند که کاملاً از خانواده مستقل شود. معمولاً در این دوره والدین احساس می‌کنند که نوجوان‌شان دارد از آن‌ها جدا و دور می‌شود. این فرایند جدایی معمولاً در اوایل نوجوانی اتفاق می‌افتد ولی در انتها، نوجوان به سمت خانواده باز می‌گردد. در تمام این دوران ارتباط‌های عاطفی با خانواده باید برقرار باشد. برخی از والدین تصور می‌کنند چون تجربه‌ی فرزندان‌شان به اندازه‌ی آن‌ها نیست پس نمی‌شود به آن‌ها اعتماد کرد. در این هنگام نوجوان به خانواده اعلام می‌کند که: می‌خواهم خودم تصمیم بگیرم، خودم تجربه کنم و... این خودم، خودم‌ها در واقع یک نوع اعلام استقلال است (بیابانگرد، ۱۳۸۷).

«خود» یکی از حیطة‌های اساسی مورد توجه روانشناسان و متخصصان علوم تربیتی است. بروئر (۱۹۹۱) (به نقل از محسنی، ۱۳۸۵) افزایش اصطلاحات ترکیبی با پیشوند خود در سالهای اخیر را نشانی از این توجه می‌داند. نفوذ تاثیرات محیطی بر انگیزه، عاطفه و عمل انسان از طریق «خود» عمل می‌کند. در این میان باور افراد در مورد توانایی‌هایشان برای اعمال کنترل بر سطح کارکرد و زندگی‌شان بسیار مهم است. برحسب نظر بندورا (۱۹۹۶) وقتی ما باور داشته باشیم که توانایی پیشرفت و کسب موفقیت را دارا هستیم به خودکارآمدی دست یافته ایم. باورهای خودکارآمدی باورهایی هستند درباره شایستگی‌های ادراک شده خودمان و اینکه

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر «بررسی رابطه سبک‌های فرزند پروری و استقلال عاطفی با خودکارآمدی دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان شوش» می‌باشد، نوع پژوهش توصیفی - همبستگی بوده است. جامعه مورد بررسی شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه دوم دبیرستان‌های شهرستان شوش در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ می‌باشد که تعداد کل آنها ۲۲۴۹ نفر بوده است. روش نمونه‌گیری این تحقیق از نوع نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای است برای تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۲۸ نفر بدست آمد اما برای رهایی از افت آزمودنی‌ها تعداد به ۳۶۰ نفر افزایش یافت. از پرسشنامه خودکارآمدی و سبک‌های فرزندپروری والدین و استقلال عاطفی به عنوان ابزار پژوهش استفاده گردیده است داده‌های گردآوری شده به کمک روش‌های آمار توصیفی همچون فراوانی، درصد، نمودار و آزمون‌های آمار استنباطی همچون همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی چند متغیره به روش اینتر و روش مرحله‌ای از طریق نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است نتایج نشان داد بین سبک‌های فرزند-پروری (سبک فرزندپروری مستبد، سبک فرزندپروری مقتدر، سبک فرزندپروری سهل‌گیر) با خودکارآمدی دانش آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان شوش رابطه منفی معناداری وجود دارد. بین استقلال عاطفی با خودکارآمدی دانش آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان شوش رابطه منفی معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: سبک‌های فرزند پروری، استقلال عاطفی، خودکارآمدی

مقدمه:

استقلال، یکی از نیازهای انسان است. همه‌ی انسان‌ها به نوعی به دنبال مستقل شدن هستند. به این معنی که فرد بتواند تصمیم‌گیری کند، روش‌های زندگی خود را انتخاب کند، تجربه کند، مرتکب خطا شود و مهارت بیاموزد. استقلال یعنی این‌که فرد بتواند خود تصمیم‌گیری کند و روش‌های زندگی خودش را انتخاب